



بررسی آماری میزان آگاهی شاعران و نویسندگان شیراز از موسیقی کلاسیک ایران

مسعود تکروی، مسیح افقه، عبدالرضا بازرگان لاری

کارشناس ارشد پژوهش هنر، آموزش عالی هنر شیراز، ایران، شیراز

استاد دانشگاه آزاد صدرا شیراز، ایران، شیراز،

استادیار دانشگاه شیراز، ایران، شیراز

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر بر مبنای ارتباط، و پیوند شعر و موسیقی، و تأثیرگذاری موسیقی کلاسیک ایرانی بر روی آثار هنری (ادبیات فارسی) می‌باشد. ارتباطی که از دیرباز مدنظر بسیاری از ادیبان بوده است، که با بهره‌گیری از اطلاعات موسیقی دستگامی ایران، موجبات آثار ماندگاری را در ادبیات فارسی، فراهم نموده‌اند. پیوند شعر و موسیقی یک پیوند ناگسستنی است که شناخت این دو هنر والا، باعث غنی شدن آثار هنری جدید در زمینه شعر و موسیقی می‌گردد. در ارتباط با پیوند شعر و موسیقی، شواهد بسیاری وجود دارد که برخی از شاعران بزرگ ایران، گرایش قابل ملاحظه‌ای به موسیقی ایرانی زمان خود داشته‌اند، که فارغ از داشتن تبحر در تکنیک‌های ادبی، تا حدودی با اصطلاحات و قواعد موسیقی آشنا بوده‌اند و یا ارتباط نزدیکی با موسیقیدانان زمان خود داشته‌اند. پژوهش انجام شده یک پژوهش توصیفی-تحلیلی با مطالعات میدانی در راستای سنجش سطح آگاهی فعالان ادبی شهر شیراز می‌باشد که با ارایه یک پرسش‌نامه به جامعه آماری انجام پذیرفته و توسط نرم‌افزار "SPSS" و با ارایه آمارهایی در راستای متغیرهایی همچون: سن، شاخه ادبی، سطح تحصیلات، سازشناسی، آشنایی با فرم‌ها و ردیف موسیقی دستگامی ایران، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در نهایت اهالی شعر و ادب شیراز همانند برخی از شاعران و ترانه‌سرایان بزرگ این دوره، برای آنکه آثارشان از خصلت موسیقی‌پذیر بودن برخوردار باشد و آهنگ‌سازان بتوانند از این اشعار در خلق آثار پیوند شعر و موسیقی استفاده کنند، به جز داشتن استعداد ذاتی، می‌بایست سطح آگاهی خود را از موسیقی کلاسیک ایران از منظر شنیداری در حوزه‌ی ردیف دستگامی و درک وزن‌های موسیقایی بالا ببرند.

واژه‌های کلیدی: موسیقی، ردیف دستگامی، ادبیات، شاعر، نویسنده

۱. مقدمه

موسیقی کلاسیک ایرانی با قدمتی طولانی در زمره‌ی یکی از بنیادی‌ترین موسیقی‌های جهان قرار می‌گیرد که قرن‌ها سینه به سینه در دوران‌های مختلف تاریخی در میان مردمان این سرزمین در جریان می‌باشد، و یکی از مهمترین شاخه‌های فرهنگی و تمدن ایرانی است (دهلوی، ۱۳۷۹: ۱۷). موسیقی یکی از راه‌های انتقال کلام یا شعر می‌باشد که بصورت آواز، تصنیف و ترانه توانسته در ماندگار کردن آثار ادبی در اذهان عمومی نقش بسزایی داشته باشد. استفاده از اصطلاحات موسیقی ایرانی مانند: اسامی سازها و اساتید موسیقی، دستگاه‌ها، گوشه‌ها و شاه‌گوشه‌های ردیف دستگاهی در اشعار برخی از شاعران، گواه بر دانش موسیقایی و یا ارتباط آنان با موسیقیدانان عصر خود می‌باشد. آثار بدست آمده از شعر شاعران متقدم تا به امروز، مشاهده می‌شود که ایشان در اشعار خود از واژه‌های موسیقی دستگاهی و سازشناسی بسیاری استفاده کرده‌اند، که نشان‌گر آن است که ایشان به جز تکنیک‌های ادبی از موسیقی ایرانی و ارکان آن و همچنین از نحوه قرار گرفتن این اصطلاحات موسیقی در شعر نیز، آگاه بوده‌اند. شاعرانی همچون: نظامی گنجوی که در اشعار ایشان از اصطلاحات موسیقی ایرانی بسیاری، استفاده شده است که اطلاع نداشتن از این اصطلاحات، می‌تواند مخاطب را در مفهوم اشعار با مشکل روبرو کند. (اطاقوری، ۱۳۹۰)

در این‌جا به چند نمونه از این نوع ابیات، از حافظ و شهریار اشاره می‌شود:

«به وقت سرخوشی از آه و ناله عشاق
به صوت و نغمه چنگ و چغانه یاد آرید»

(حافظ، ۱۳۸۸: ۳۲۵)

که حافظ در بیت فوق، و در مصرع دوم، اشاره به آلات موسیقی دارد.

در جایی دیگر حافظ می‌فرماید:

«غزل‌سرایی ناهید صرفه‌ای نبرد
در آن مقام که حافظ برآورد آواز»

(حافظ، ۱۳۸۸: ۳۵۰)

حافظ در بیت مذکور، در مصرع دوم به موسیقی دستگاهی و به یکی از فرم‌های موسیقی کلاسیک ایران (آواز) اشاره دارد. در جایی شهریار؛ از شاعران معاصر ایران، در شعر خود در سوگ استاد صبا، از سازشناسی، نام دستگاه‌ها و اساتید موسیقی ایرانی زمان خود، استفاده کرده است.

«از گریبان غم و ماتم سنتور حبیب
سر نیاورده برون، ساز صبا می‌میرد»

که هنر می‌رود و شور و نوا می‌میرد»

«آخر این شور و نوا بدرقه‌ی راه صبا

(شهریار، ۱۳۹۸: ۱۲۹)

نمونه‌ی داستان‌های کودکان که موزون بودن آنها، می‌تواند نقش اساسی در ماندگار شدن آنها در اذهان کودکان داشته باشد. «جُم جُمک برگ خزون، مادرم زینب خاتون، گیس داره قد کمون، از کمون بلندتره، از شَبَقِ مشکِ تره، ...» (باغچه‌بان، ۱۳۹۷: ۱) در بررسی‌های انجام شده اشعاری از شاعران بزرگ ایران موجود است که قابلیت آن را دارند که بشود آنان را در مترها، آوازا و دستگاه‌های مختلف اجرا کرد. نمونه ابیات مذکور و صدها نمونه متون ادبی دیگر از شاعران و نویسندگان مطرح ادبیات فارسی ایران از دوران کهن تا به امروز، خود نشان‌گر آگاهی شاعر از موسیقی و یا گرایش ایشان به موسیقی این مرز و بوم می‌باشد.

این تک بیت از اشعار حافظ خود نمونه‌ای از این نوع اشعار می‌باشد:

«کشتی نشستگانیم ای باد شرطه برخیز
باشد که باز بنیم دیدار آشنا را»

(حافظ، ۱۳۸۸: ۷)

تصویر ۱: (دهلوی، ۱۳۷۹: ۱۰۹ - ۱۱۰)

باید توجه داشت که، وجود واژه‌های موسیقایی در اشعار بصورت اتفاقی و فقط برای زیبایی اشعار به کار برده نشده است و شاعر از گنجاندن این واژه‌ها در اشعار، سطح سواد خود از موسیقی ایرانی و ارتباط این دو هنر والا را نیز مورد خطاب قرار داده است. شهر شیراز به عنوان شهری که در عرصه فرهنگ و هنر از دوره‌های باستان تا به امروز بسیار غنی بوده و شاهد هنرمندان بسیار بزرگی در عرصه‌های هنری علی‌الخصوص ادبیات و موسیقی بوده که در تکامل فرهنگ و تمدن ایرانی نقش بسزایی داشته‌اند، و بررسی اشعار شاعرانش خود گواه بر آشنایی آنان از موسیقی ایرانی زمان خود می‌باشد. از دوره قاجار و پهلوی تا به امروز ادیبانی همچون: فرصت‌الدوله شیرازی، قآنی شیرازی، وصال شیرازی، بسمل شیرازی، فریدون توللی، بیژن سمندر و ... افرادی بودند که در پیشرفت شعر و موسیقی دوره معاصر، سهم بسزایی داشتند و آثار ایشان نیز در زمره افرادی است که از دانش موسیقی ایرانی بی‌بهره نبوده‌اند.

شاعرانی هم چون ملک‌الشعراى بهار که نتیجه‌ی همکاری ایشان با اساتید موسیقی ایران همچون: مرتضی نی‌داوود (تصنیف مرغ سحر)، درویش‌خان (تصنیف‌های زمن نگارم و شب وصل) و حسام‌السلطنه (تصنیف عشق تو) و ... به خلق چنین آثار ماندگاری منتهی شد، و همچنین محافل ادبی که در شیراز در منزل فریدون توللی (انجمن خانه فریدون) با حضور اساتید برجسته شعر و موسیقی ایران و شیراز انجام می‌گرفته (امداد، ۱۳۸۸: ۵۱۵)، و دیگر محافل ادبی که توسط حسن امداد با حضور هنرمندان در شیراز برگزار می‌شده، و حضور بیژن سمندر در محافل موسیقی شیراز که ایشان یکی از بهترین ترانه‌سرایان معاصر و نوازنده‌ی ساز تار بودند که اشعار وی با گویش شیرازی و خصلت بالای موسیقی‌پذیر بودن آنها، همگی نمونه‌ی کوچکی از این ارتباط و پیوندهای هنری می‌باشد که منجر به خواندن اشعار شاعران و نواختن سازهای موسیقی ایرانی در دستگاه‌ها و آوازهای مختلف و تحلیل و بررسی آثار در این محافل می‌گردید، و آثار ماندگار این هنرمندان می‌تواند برگرفته از تاثیرگذاری و حضور در همین محافل هنری باشد.

پژوهش‌هایی که تا به حال در راستای پیوند شعر و موسیقی در سطح کشور انجام شده بیشتر بررسی واژه‌های موسیقی ایران در اشعار بزرگان و بررسی موسیقی شعر اشعار شاعران را مورد تحلیل قرار داده است، ولی در حوزه آموزش و سنجش سطح آگاهی ادیبان از موسیقی کلاسیک ایران و ایجاد راه‌کارهایی برای بهبود و بهتر شدن آثاری که از خصلت موسیقی‌پذیر بودن بهره‌مند باشند و بتوان

از آنها در تلفیق شعر و موسیقی استفاده کرد، پژوهشی در سطح کشور و یا شهر شیراز انجام نگرفته است، که آگاهی از دانش موسیقی ایرانی و تاثیر آن در آثار ادیبان، خود مضمون اصلی این پژوهش می‌باشد.

در اینجا برای شروع و بررسی اقدامات اولیه پژوهش به سوالاتی مواجهه می‌شویم که:

- نسل کنونی جامعه ادبی شیراز، ردیف موسیقی ایران (دستگاه‌ها و آوازها) را می‌شناسد؟
- نسل کنونی جامعه ادبی شیراز، با فرم‌های موسیقی ایرانی (مقدمه، آواز، پیش‌درآمد، چهارمضرب، رنگ، تصنیف و ترانه) و با چگونگی پیوند آنها با شعر و ادبیات، آشنایی دارند؟

- نسل کنونی جامعه ادبی شیراز، شاه‌گوشه‌های ردیف موسیقی ایران (عراق، مخالف، عشاق، دلکش و ...) را، همان‌طور که شاعران فاخر ایران (حافظ، مولوی، خیام، رودکی و ...) در آثار خود از آنها استفاده می‌کردند را، می‌شناسند؟

- نسل کنونی جامعه ادبی شیراز، سازشناسی موسیقی ایران را به شکل بصری یا صوتی آن، می‌شناسند؟
هدف کلی پژوهش، بررسی ارتباط موسیقی کلاسیک ایرانی با شاعران و نویسندگان، و ارتباط این دو گروه هنری (موسیقی و ادبیات) با هم و تأثیرگذاری و ایجاد آثاری ماندگار است که، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

از منظر اهمیت و ضرورت این پژوهش، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، برای نوشتن یک شعر یا متن ادبی که از خصلت موسیقی‌پذیر بودن بهره‌مند باشد، می‌بایست شاعر یا نویسنده به جز معرفت و شناخت خود بر قواعد نگارش ادبی، در موزون بودن متن ادبی و قرار گرفتن واژه‌ها در کنار وزن‌های موسیقایی آن نیز تبحر خاصی داشته باشد. انتخاب واژگان مناسب برای شعر، باید متناسب با حوزه فضای موسیقی ایرانی باشد، چنانچه آثار استادان بزرگی همچون: اسماعیل نواب صفا، بیژن ترقی، رحیم معینی کرمانشاهی و ... که در تلفیق شعر و موسیقی خالق آثار ماندگاری بودند را، مورد بررسی قرار دهیم، این امر مهم قابل مشاهده است. شاعران معاصر همچون: شهریار، توللی و بیژن سمندر و افرادی دیگر که از موسیقی ایرانی با اطلاع بوده و به این امر مهم دست پیدا کرده بودند، برای درک بهتر این موضوع در کارنامه هنری خود، سازی را در نزد اساتید بزرگ موسیقی زمان خود نیز، فرا گرفته بودند و با در دست داشتن این گنجینه‌ی هنری، آثار والایی را به یادگار گذاشتند.

در جایی به نقل از افقه: به روایت شفاهی از استادانی همچون: همایون خرم و علی تجویدی، نقل شده است که، این ترانه‌سرایان به موسیقی ردیفی ایران آشنایی داشته، و بر کاربرد و جایگاه گوشه‌ها و شاه‌گوشه‌های ردیف موسیقی ایران، تلفیق شعر و موسیقی، و ترکیب کلمات و واژه‌های مناسب (علی‌الخصوص در ساخت ترانه و تصنیف) تجربه‌ی بسیار داشته‌اند (افقه، ۱۳۹۸). حضور شاعران و نویسندگان در محافل موسیقی، همان‌طور که متقدمین بزرگ هنری کشور ما به این موضوع پی برده بودند، برای درک شنیداری موسیقی دستگاهی و درک بهتر اوزان موسیقایی، خود یکی از راه‌کارهای هست که تأثیرات خود را در آثار شاعران بصورت مفهومی خواهد گذاشت، که در قسمت‌های بعد به آن اشاره خواهد شد.

۲. پیشینه‌ی تحقیق

در ارتباط با پیوند شعر و موسیقی در بیشتر پیشینه‌های موجود (مقاله‌ها و پژوهش‌ها)، بیشتر موسیقی‌شعر اشعار شاعران و یا اصلاحات موسیقی ایرانی موجود در اشعار برخی از شاعران در دوره‌های تاریخی مختلف مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است، که در این‌جا به دلیل میان‌رشته‌ای بودن پژوهش می‌بایست اشاراتی به قواعد و زیرمجموعه‌های موسیقی و موسیقی‌شعر (موسیقی بیرونی، موسیقی درونی و موسیقی کناری) شده تا ابعاد مسئله باز شده و ما را در ابهامات موجود راه‌گشا باشد.

موسیقی بیرونی: همان وزن عروضی است برای کشش هجاها و تکیه‌ها. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۵۱)

موسیقی درونی: عبارتست از هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حرف دیگر. (شفیعی

کدکنی، ۱۳۷۰: ۵۱)



موسیقی کناری: به گفته‌ی شفیع کدکنی، عبارتست از هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین هر حرف در کنار حرف دیگر. وی قافیه، ردیف، تکرارها و ترجیع‌ها را عناصر موسیقی شعر می‌داند. (صابری‌نیا، ۱۳۹۵: ۲)

اگر به‌خواهیم در این‌جا به‌صورت کلی تعریفی از موسیقی داشته باشیم، موسیقی برگرفته از دو رکن اساسی می‌باشد که در کنار هم بودن این دو رکن، موسیقی را به‌وجود می‌آورد، که عبارتند از: صوت و دیگری متر (وزن موسیقایی).

صوت: صوت در نتیجه به ارتعاش درآمدن هوا به‌وجود می‌آید و ما آن را با گوش می‌شنویم. هیچ صدایی بدون حرکت ایجاد نمی‌شود. در فیزیک به تعداد این ارتعاش‌ها در واحد زمان بسامد یا فرکانس گفته می‌شود. از بین تمام صداهایی که می‌توان با بسامدهای گوناگون تولید کرد، تنها به گروهی از اصوات که دارای ارتفاع معینی هستند صوت موسیقایی گفته می‌شود، و اصوات غیر موسیقایی اصواتی هستند که بسامد آنها غیرثابت و نامنظم می‌باشند. (مهرانی، ۱۳۸۹: ۷، ۸)

متر (وزن موسیقایی): این نوع از الگوی منظم را الگوی وزنی (متریک) می‌نامند. وزن عبارتند از اجتماع دو یا چند ضرب به وسیله تاکیدها (تیورک، ۱۳۸۷: ۲۴). هنگامی که یک نغمه یا ملودی را می‌خوانیم، برخی ضربه‌ها قوی‌تر یا موکدتر ادا می‌شود. در موسیقی الگویی تکرار شونده را می‌یابیم که از یک ضرب قوی و سپس یک یا چند ضرب ضعیف‌تر تشکیل شده است. سازمان ضرب‌ها را در قالب گروهایی منظم، وزن می‌نامند. (کیمی‌ین، ۱۳۹۰: ۸۴)

ریتم: ریتم مشتمل است بر جنبه‌ی دیرندی صداها، سکوت‌ها و الگوهای تاکید بر آنهاست، که غالباً دارای دوره‌های منظمی هستند (تیورک، ۱۳۸۷: ۲۱). ریتم عبارتند از: گردش و دور زمان‌ها و کشش‌های نت‌ها یا نغمه‌های موسیقی است که با هم متناسب بوده و با نظم و ترتیب معین از نظر کمیت و کیفیت جریان می‌یابند. به عبارت دیگر چگونگی یا کیفیت تقسیم و قرار گرفتن کشش‌های نت‌ها در میزان یا میزان‌ها، وزن‌های مختلفی را پدید می‌آورند که از تکرار آن‌ها ریتم معینی جریان می‌یابد. (فخرالدینی، ۱۳۹۲: ۲۲)

برای روشن شدن اهداف مذکور، نیاز می‌باشد که تا حدودی به موسیقی دستگاهی ایران آشنا شویم، تا در مبحث فنی موسیقی ایران و کاربرد و پیوند دادن آن با ادبیات فارسی، درک بهتری داشته باشیم. ردیف دستگاهی موسیقی ایران، برگرفته از دستگاه‌ها و آوازها می‌باشد، که شامل هفت دستگاه و پنج آواز است، و هر دستگاه و آواز شامل: شاه‌گوشه، گوشه، تحریر، نت ایست، نت فرود و نت شاهد می‌باشد (سالک، ۱۳۸۸: ۴۶). فرم‌های موسیقی کلاسیک ایران شامل:

آواز، پیش‌درآمد، چهارمضرب، رنگ، تصنیف و ترانه می‌باشد، که آواز، تصنیف و ترانه از فرم‌هایی می‌باشند که با کلام همراه هستند و در پیوند شعر و موسیقی به این نوع فرم‌ها توجه می‌شود. فرم‌های پیش‌درآمد، چهارمضرب و رنگ از جمله فرم‌های ضربی و بدون کلام موسیقی ایرانی می‌باشند. گوشه‌ها و شاه‌گوشه‌ها از متعلقات دستگاه‌ها و آوازهای موسیقی دستگاهی به شمار می‌روند که در تمام فرم‌های موسیقی ایرانی بنا به نیاز آهنگ‌ساز و با حس و حال ملودی مورد نظر، اغلب آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

روند ملودی گوشه‌ها در درجات دستگاه و یا آواز بر محور نت شاهد گوشه‌های مورد نظر است و هر گوشه درجات ویژه‌ای از دانگ‌ها را در بر می‌گیرد. یک گوشه شامل چهار بخش: درآمد، شعر، تحریر و فرود باشد. درآمد گوشه ممکن است بسیار کوتاه باشد و یا اساساً مانند اغلب گوشه‌ها وجود نداشته باشد؛ گوشه ممکن است با شعر، تحریر یا حتی فرود شروع شود (کیانی، ۱۳۹۳: ۵۴ و ۵۷). برخی از گوشه‌ها در ساختار نغمات اهمیت دارند مانند: گوشه‌ی دلکش (کریمی، ۱۳۷۴: ۱۶۲) و بعضی دیگر مانند: بسته‌نگار در وزن نغمه‌ها (میرزا عبدالله، ۱۳۸۵: ۵۸) و در بعضی نیز هر دو اهمیت دارند، مانند: نصیرخانی (کریمی، ۱۳۷۴: ۱۶۹).

گوشه‌هایی همچون: عراق، دلکش، مخالف، عشاق، حسینی، حجاز، بیات‌راجه و غیره از این دسته هستند که، در آثار برخی از شاعران قدیم، اسامی این شاه‌گوشه‌ها بسیار دیده شده است.

آشنایی و آموزش موسیقی کلاسیک ایران برای افراد مختلف، به هدف‌های آنان و سطح توقع فکری‌شان از موسیقی ایران بستگی دارد که، علاوه بر داشتن استعداد و قریحه‌ی ذاتی، هنرجو می‌تواند از آشنایی سطحی با موسیقی ایران، شروع کرده و تا دوره‌های عالی آموزشی این رشته‌ی هنری را طی کند. حال آموزش و یادگیری موسیقی ایرانی را می‌توان در سه سطح دوره‌ی ابتدایی، دوره‌ی متوسط و دوره‌ی عالی تقسیم‌بندی کرد، که بطور خلاصه به شرح این دوره‌ها می‌پردازیم:

دوره‌ی ابتدایی: یادگیری تئوری موسیقی، درک ارکان و قواعد متریک، آشنایی با فرم‌های موسیقی ایرانی، یادگیری حالات دستگاه‌ها و آوازها از منظر شنیداری و آموزش هم‌نوازی و گروه‌نوازی با سازهای دیگر.

دوره‌ی متوسط: با تسلط داشتن به مراحل دوره‌ی ابتدایی، برای درک و فهم بیشتر مفاهیم موسیقی دستگاهی ایران، می‌بایست یک دوره آموزش مقدماتی ردیف دستگاهی را به‌صورت سازی یا آوازی فرا گیرند، که خود شامل: درک و فهم حالات دستگاه‌ها و آوازهای ردیف موسیقی ایرانی، فراگیری گوشه‌ها و شاه‌گوشه‌های ردیف و یادگیری نت‌های شاهد، فرود و ایست هر گوشه و آواز می‌باشد.

دوره‌ی عالی: در طی این دوره فرد به‌صورت آکادمیک در دانشگاه و یا در فضای بیرون از دانشگاه سطح سواد خود را از مرحله متوسط بالاتر برده و در کنار اساتید مطرح موسیقی ایرانی به فراگیری این هنر مشغول می‌شود، که با تسلط داشتن به دوره‌های قبل، ردیف دوره‌ی عالی و جواب آواز با خواننده را فرا می‌گیرد و برای بسط و گسترش دادن جملات موسیقی ایرانی و تبحر یافتن در بداهه‌نوازی، دوره‌ی آهنگ‌سازی را به‌صورت علمی و یا تجربی فرا می‌گیرد.

موسیقی هنری است که خاصیتی انتزاعی دارد و در بین هنرها هیچ هنری همانند موسیقی، رمانتیک نیست، چون به راحتی دست یافتنی نیست و تصویرسازی در موسیقی کار ساده‌ای نمی‌باشد (کامکار، ۱۳۹۱: مقدمه). موسیقی را باید از نظر شنیداری با آن رابطه برقرار کرد، باید با گوش شنید، درک کرد و آموزش دید، و اگر گوش موسیقایی فرد در مرحله فهم و ادراک به حد مطلوب نرسیده باشد و در این راستا در کسب آموزش برنیامده باشد، نمی‌تواند از موسیقی بهره‌ای ببرد.

باتوجه به اطلاعات فوق، وقتی که از منظر پیوند شعر و موسیقی، به‌خواهیم یک تصنیف و یا یک ترانه را آنالیز کنیم، و یا این که در رشته‌ای هنری بخواهیم از موسیقی و اصطلاحات موسیقی استفاده کنیم، باید به قواعد و ارکان اصلی موسیقی واقف بوده و اساس هر رشته‌ی هنری را جداگانه و تفکیک‌شده مدنظر قرار داده و قواعد پیوند را رعایت کرد.

حال در این‌جا به معرفی چندین پیشینه (کتاب، مقاله و پایان‌نامه) که در راستای پیوند شعر و موسیقی انجام شده، می‌پردازیم: (ملاح، ۱۳۶۷)، (دهلوی، ۱۳۷۹)، (نقدی‌اطاقوری، ۱۳۹۰)، (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۰)، (عسکری رابری، ۱۳۹۶)، (افقه، ۱۳۹۸) در این پیشینه‌ها، آشنایی از ارکان و قواعد هر دو هنر شعر و موسیقی و ارتباط هنرمندان این دو گروه هنری با یکدیگر در خلق آثار پیوند شعر و موسیقی، بسیار تاکید شده است.

۳. روش تحقیق

در مورد ارتباط موسیقیدانان و ادیبان در محافل و انجمن‌های ادبی، از جهت ارتباط شنیداری و درک بهتر مفاهیم موسیقی کلاسیک ایرانی به اهالی شعر و ادب، پژوهشی در سطح جغرافیایی شهر شیراز، انجام نگرفته است. این پژوهش به جز جنبه فنی و تکنیکی آن، در حوزه جامعه‌شناسی هنرهای موسیقی و ادبیات شهر شیراز را نیز، در بر می‌گیرد، و پژوهشی جدید در ارتباط با موسیقی و ادبیات است که مستلزم مطالعات میدانی می‌باشد. از این جهت که روش تحقیق این پژوهش یک تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد، برای ارزیابی سطح آگاهی ادیبان شیراز از موسیقی کلاسیک ایران، و ایجاد راه‌کارهایی برای خلق آثاری ماندگار، گردآوری اطلاعات به‌صورت طراحی یک پرسش‌نامه‌ی ۳۰ سوالی، انجام گرفته است. این پرسش‌نامه در ۳۰ سوال طراحی گردیده که ۱۴ سوال آن در ارتباط با اطلاعات عمومی ادیبان، و ۱۶ سوال آن مرتبط با سوالات موسیقی ایرانی که همگی مرتبط با ادبیات فارسی می‌باشند، ارایه شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز بر اساس ارایه جداول، نمودارها و درصد‌های آماری با نرم‌افزار "SPSS" می‌باشند.



مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش برگرفته از فعالان، شاعران و اساتید دانشگاه در عرصه ادبیات شهر شیراز می‌باشد که، اطلاعات جامعه آماری پژوهش از اداره محترم ارشاد اسلامی فارس تهیه شده است. تعداد جامعه آماری در ابتدا ۱۳۸ نفر بوده که در ارایه پرسش‌نامه آنلاین به این افراد (ارایه پرسش‌نامه آنلاین به دلیل بیماری کرونا و محدودیت‌های وابسته به آن انجام شد) تعداد ۱۰۰ نفر از این آمار، پاسخ‌گوی سوالات پرسش‌نامه ارسالی بودند و معیار ارزیابی جامعه آماری این پژوهش بر اساس سطح اطلاعات و آگاهی تعداد ۱۰۰ نفر از ادیبان و فعالان ادبی شهر شیراز از موسیقی ایرانی انجام پذیرفته است.

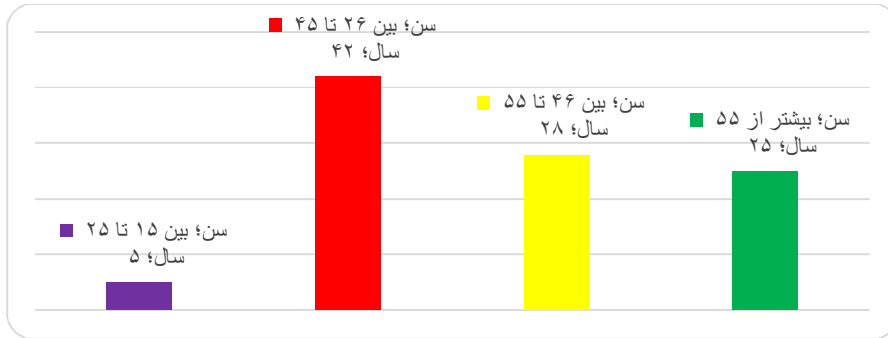
متغیر وابسته این پژوهش، سطح اطلاعات و آگاهی ادیبان و فعالان عرصه ادبیات شهر شیراز از موسیقی کلاسیک ایران می‌باشد. متغیرهای مستقل این پژوهش که مورد تحلیل آماری قرار گرفته است شامل: سن، سطح تحصیلات، شاخه‌ی ادبی، آشنایی با موسیقی دستگاهی ایران، آشنایی با فرم‌های موسیقی ایرانی، سازشناسی و سطح مطالعه اهالی شعر و ادب در راستای موسیقی کلاسیک ایرانی می‌باشد که، چقدر این آگاهی توانسته در کار ادبی ایشان و خلق آثار ماندگار تاثیرگذار باشد.

۴. یافته‌های پژوهش

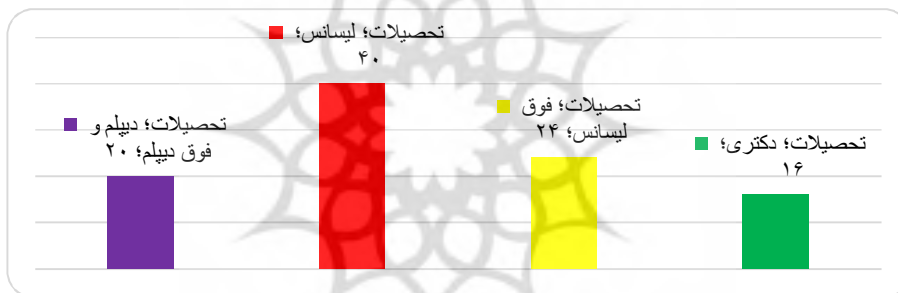
متغیرهای مستقل این پژوهش طی جدولی به شرح زیر، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.
جدول ۱: درصد داده‌های آماری بر مبنای متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	درصد داده‌های آماری
سن ادیبان	بیشترین سن پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه بین سنین ۲۶ الی ۴۵ سال است که ۴۶٪ (۴۶ نفر) می‌باشند.
سطح تحصیلات	بیشترین مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه را، ادیبان دارای مدرک تحصیلی لیسانس ۴۰٪ (۴۰ نفر) تشکیل داده‌اند.
شاخه ادبی	بیشتر ادیبان در شاخه ادبی شعر فعالیت داشتند که ۶۵٪ (۶۵ نفر) را تشکیل داده‌اند.
میزان فعالیت در شاخه ادبی	بیشترین سابقه حضور فعالیت در شاخه ادبی ادیبان ۱۶ الی ۳۰ سال است که برابر ۳۵٪ (۳۵ نفر) می‌باشند.
سطح مطالعه مرتبط با موسیقی ایرانی	بیشتر ادیبان در مورد موسیقی ایرانی در حد کم مطالعه داشتند ۶۰٪ (۶۰ نفر) و فقط ۲۷٪ (۲۷ نفر) آنان در حد متوسط مطالعه داشته‌اند.
آشنایی با موسیقی ایرانی	بیشتر ادیبان در مورد موسیقی ایرانی در حد متوسط آشنایی داشته‌اند ۶۰٪ (۶۰ نفر) .
آشنایی با ردیف موسیقی ایران	بیشتر ادیبان با دستگاه‌ها و آوازهای ردیف موسیقی ایران آشنایی داشتند ۶۰٪ (۶۰ نفر).
آشنایی با زیر مجموعه‌های ردیف	ادیبان ۵۵٪ (۵۵ نفر) هیچکدام از نت‌های ایست، فرود و شاهد/ ادوات تحریر/ شناخت جملات خاص ردیف موسیقی ایرانی را، نمی‌شناختند.
آشنایی با فرم‌های موسیقی ایران	بیشترین ادیبان با فرم تصنیف آشنایی داشتند ۴۸٪ (۴۸ نفر) و ۴۴٪ (۴۴ نفر) از ادیبان با فرم آواز آشنایی داشتند.
شناختی دستگاه‌ها و آواها (تصنیف مرغ سحر)	بیشترین ادیبان دستگاه تصنیف مرغ سحر را ماهر انتخاب کرده‌اند ۵۵٪ (۵۵ نفر).
ساز شناسی موسیقی ایرانی	بیشترین ادیبان با سازهای مضرابی آشنایی داشتند ۴۷٪ (۴۷ نفر) و ۳۵٪ (۳۵ نفر) از ادیبان با هیچکدام از سازهای مضرابی/ کوبه‌ای مضرابی/ کششی، آشنایی ندارند.
آشنایی با شاه‌گوشه‌های ردیف	بیشترین آمار آشنایی ادیبان با شاه‌گوشه‌های ردیف موسیقی ایران برابر ۱۳٪ (۱۳ نفر) است.

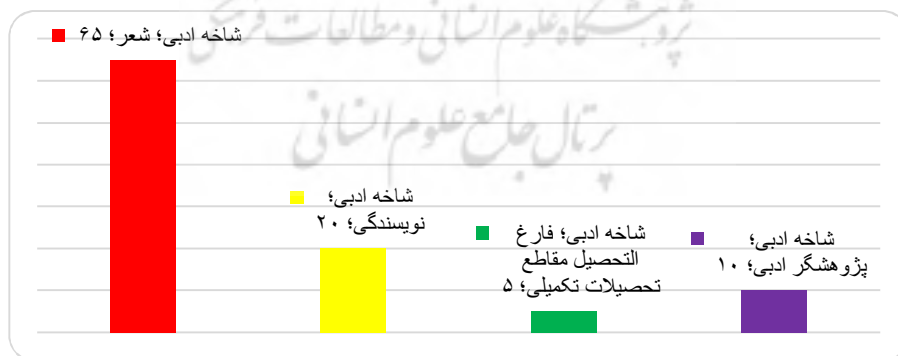
۱.۴. نمودار داده‌های آماری بر مبنای متغیرهای پژوهش



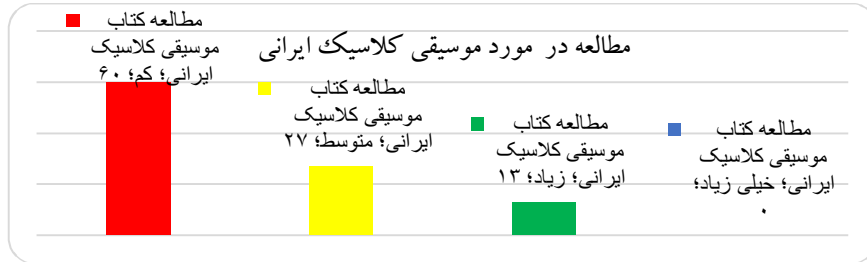
نمودار ۱: فراوانی سن پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه



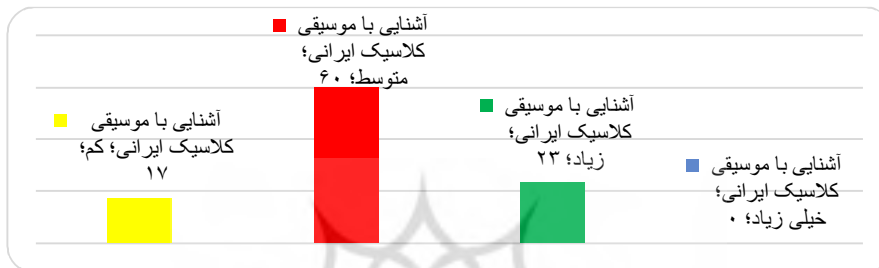
نمودار ۲: فراوانی سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه



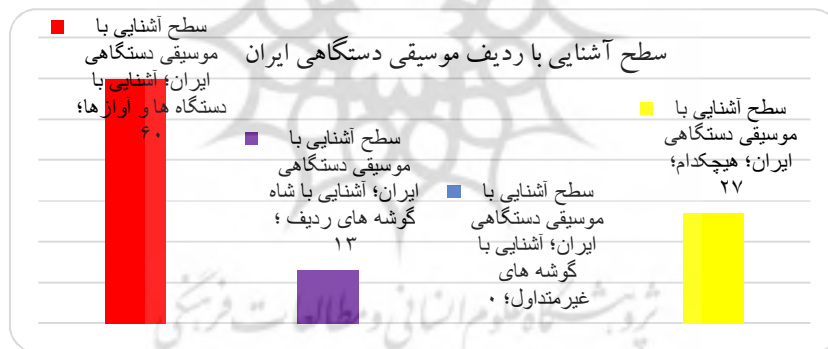
نمودار ۳: فراوانی فعالیت در شاخه ادبی پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه



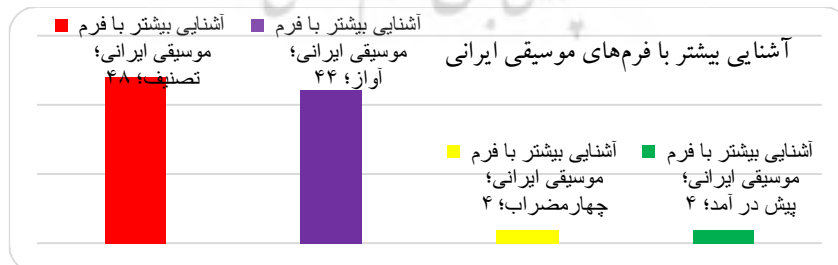
نمودار ۴: فراوانی مطالعه در مورد موسیقی ایرانی پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه



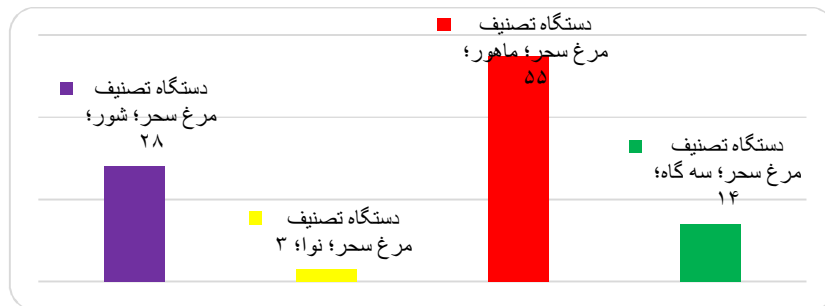
نمودار ۵: فراوانی سطح آشنایی با موسیقی کلاسیک ایران پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه



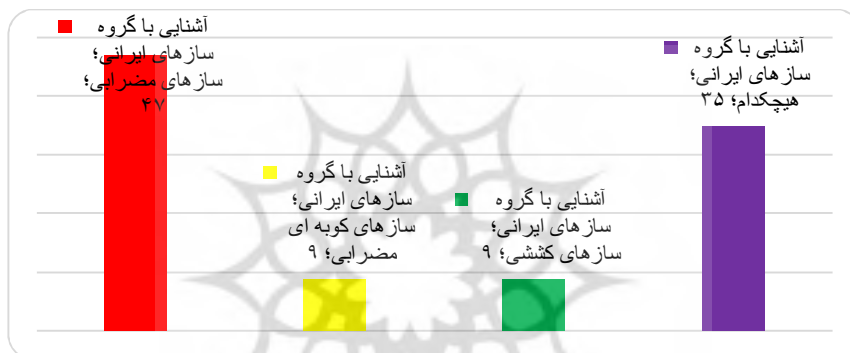
نمودار ۶: فراوانی سطح آشنایی با موسیقی ایران پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه



نمودار ۷: فراوانی سطح آشنایی با فرم‌های موسیقی ایران پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه



نمودار ۸: فراوانی شناسایی دستگاه‌ها و آوازهای ردیف موسیقی ایران پاسخ دهندگان به پرسش‌نامه



نمودار ۹: فراوانی سازشناسی سازهای ایرانی پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه

۵. تجزیه و تحلیل داده‌های آماری

اهالی شعر و ادب شیراز با دستگاه‌ها و آوازهای ردیف دستگاهی ایران چقدر آشنایی دارند؟

با توجه به داده‌های آماری ۶۰ درصد از ادیبان با موسیقی ایرانی (دستگاه‌ها و آوازا) آشنایی دارند، و حال این که بخشی از دستگاه‌ها و آوازاها از نت‌های ایست، فرود و شاهد، ادوات تحریر، گوشه‌ها و شناخت جملات خاص ردیف موسیقی ایرانی، تشکیل شده‌اند، ولی ۵۵ درصد از ادیبان با هیچکدام از این زیرمجموعه‌های ردیف آشنایی ندارند، و در مبحث تشخیص دستگاه تصنیف معروفی همچون: تصنیف مرغ سحر، فقط ۵۵ درصد از ادیبان دستگاه تصنیف مذکور را ماهور انتخاب کرده‌اند. به‌طور کلی ۶۰ درصد از ادیبان سطح آشنایی خود را از موسیقی ایرانی در حد متوسط می‌دانند که بنا به سطح‌بندی آموزش موسیقی ایرانی و آمارهای بدست آمده چنین سطحی را برای آشنایی ادیبان از موسیقی ایرانی نمی‌توان در نظر گرفت، و این سطح برای ادیبان که به‌خواهند آثاری در راستای پیوند شعر و موسیقی خلق کنند، ضعیف است و شاعر در سرودن اشعار و منطبق کردن آنها با ملودی دچار مشکل می‌شود. همان‌طور که در پیشینه‌های (دهلوی، ۱۳۷۹) و (ملاح، ۱۳۶۷) مولفین متذکر شده‌اند که شاعر به جز داشتن تبحر در تکنیک‌های ادبی می‌بایست با استفاده از واژگان موسیقی‌پذیر، تناسب لحن و وزن را رعایت کند و این محقق نمی‌شود مگر این که شاعر از ساختار و گستره صوتی آواز چه از منظر شنیداری و چه از منظر تئوری موسیقی تا حدودی با اطلاع باشد.



اهالی شعر و ادب شیراز با فرم‌های موسیقی ایرانی آواز، تصنیف و ترانه و پیوند آنها با ادبیات آشنایی دارند؟

در یافته‌های آماری ۴۸ درصد از ادیبان با فرم تصنیف و ۴۴ درصد ایشان با فرم آواز آشنایی دارند و با فرم‌های چهارمضرب و پیش‌درآمد هر کدام فقط ۴ درصد آشنایی دارند. فرم‌های تصنیف و آواز برای این که با کلام همراه است با مخاطب رابطه‌ی بهتری از نظر مفهومی برقرار می‌کند. ادیبان اگر به‌خواهند در شناخت فرم‌های ضربی توانمند باشند باید سطح آگاهی خود را از منظر شنیداری در حوزه موسیقی دستگاهی بالا برده و آموزش‌های لازم را ببینند.

اهالی شعر و ادب شیراز با سازشناسی موسیقی ایرانی از نظر سمعی و بصری تا چه سطحی آشنایی دارند؟

در آمارهای به‌دست آمده ۴۷ درصد از ادیبان با سازهای مضرابی آشنایی دارند و ۳۵ درصد از ایشان با هیچکدام از سازهای مضرابی مانند: تار و سه‌تار، کوبه‌ای مضرابی مانند: سنتور، و کششی مانند: کمانچه و نی آشنایی ندارند. باتوجه به عصر حاضر و وجود امکانات فراوان از منظر سمعی و بصری و رسانه‌های مختلف، آمار ۳۵ درصدی از آشنا نبودن با هیچکدام از گروه سازهای موسیقی ایرانی، آمار بالایی می‌باشد که حاکی از نبود اطلاعات از سازشناسی موسیقی ایرانی در حد معمول و ابتدایی می‌باشد. ایات زیر نشان‌دهنده آگاهی مولانا از سازشناسی موسیقی زمان خود است که در اشعارش منعکس شده است.

«لیک بُد مقصودش از بانگ رُبَاب
ناله‌ی سُرنا و تهدید دُهْل
پس حکیمان گفته‌اند این لحن‌ها
بانگ گردش‌های چرخست این که خلق
هم‌چو مشتاقان خیال آن خطاب
چیزکی ماند بدان ناقور کل
از دوار چرخ بگرفتیم ما
می‌سرایندش به تنبور و به خلق»
(مولانا، ۱۳۸۹: ۶۷۰)

ایات فوق نشان‌گر دانش سازشناسی مولانا از نظر سمعی و بصری می‌باشد، که در بیت دوم اشاره به سوز و ناله‌ی سرنا و ضربه‌های کوبنده‌ی دهل، خود دلالت بر آگاهی ایشان در این مقوله‌ی موسیقایی دارد.

اهالی شعر و ادب شیراز با شاه‌گوشه‌های موسیقی ایرانی و کاربرد آنان در ادبیات تا چه سطحی آشنایی دارند؟

در آمارهای به‌دست آمده ۱۳ درصد از ادیبان با شاه‌گوشه‌های موسیقی دستگاهی آشنایی داشتند، در صورتی که استفاده از اسامی شاه‌گوشه‌ها در اشعار شاعران متقدم اتفاقی نبوده و فقط جنبه‌ی زیبایی شناسی ندارد، بلکه خود نشان از علم ایشان به موسیقی ایرانی می‌باشد.

بیت زیر نشان از علم حافظ در این مقوله می‌باشد.

«این مطرب از کجاست که ساز عراق ساخت
و آهنگ بازگشت به راه حجاز کرد»
(حافظ، ۱۳۸۸: ۱۸۰)

در بیت فوق دو واژه عراق و حجاز که به ترتیب آمده است خارج از آشنایی حافظ با موسیقی ایرانی، نشان از این دارد که حافظ با شاه‌گوشه‌های ردیف و ارتباط آنها با هم در موسیقی ایرانی نیز همچون یک موسیقیدان واقف بوده و یا این دو شاه‌گوشه فوق را در ارتباط با موسیقیدانان زمان خود شنیده و الهام گرفته است.

از دوره پهلوی به قبل به دلیل نبود امکانات امروزی، هنرمندان در محافل ادبی و موسیقی گرد هم می‌آمدند و سعی می‌کردند در همین زمان اندک بتوانند از نظر معرفتی و تکنیک هنری تأثیرات بسزایی را بر یکدیگر داشته باشند، و اجرای موسیقی در همین محافل، خود نقطه عطفی بر یادگیری مخاطبین از موسیقی دستگاهی و درک بهتر آنان از اوزان موسیقایی بود. نمونه‌ای از برگزاری این نوع محافل، می‌توان به جلسات انجمن اخوت با مدیریت صفاعلی ظهیرالدوله اشاره کرد. (خالقی، ۱۳۷۶: ۸۳)

۶. بحث و نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه که برای خلق یک شعر نیاز است، خارج از مبحث رعایت قواعد و ارکان شعری، به موسیقی‌پذیر بودن شعری که در راستای پیوند شعر و موسیقی می‌خواهد بکار گرفته شود نیز، باید توجه کرد. اهالی شعر و ادب شیراز بیشتر بر تکنیک و قواعد ادبی خود ممارست ورزیدند که در جای خود بسیار پسندیده و قابل تحسین است، اما در مبحث تلفیق شعر و موسیقی، شعر باید به نحوی سروده شده باشد که آهنگ‌ساز مجبور نباشد هجاها و واژه‌های شعری را تغییر دهد و یا اگر نیاز به تغییر در هجاها باشد معنی شعر عوض نشود، تا بتواند در فرم‌های موسیقی ایرانی آنها را بکار گیرد، و این از عهده‌ی شاعری بر می‌آید که از ترکیب واژه‌ها و وزن‌ها آگاه باشد. شاعر اگر بخواهد اشعار خود را در ارتباط با موسیقی در فرم‌های آواز، تصنیف و ترانه بکار گیرد باید به جز درک ریتم، در مرحله آموزش موسیقی پا را فراتر گذاشته و آگاهی خود را نیز از موسیقی دستگاهی و از منظر شنیداری بالا برده و آگاهی‌های لازم را کسب کند. ترانه‌سرایان و شاعران بزرگی که در این عرصه فعالیت می‌کردند، به این امر مهم واقف بودند، و می‌بینیم که در کارنامه هنری خود به یکی از سازهای ایرانی آشنایی داشته و پیش اساتید مطرح موسیقی زمان خود آموزش‌های لازم را از منظر درک ریتم و موسیقی دستگاهی فرا می‌گرفتند، و در کنار یادگیری، در محافل موسیقی ارتباط بسیار والایی را با اساتید موسیقی زمان خود داشته‌اند. آشنایی داشتن با فرم‌های موسیقی ایرانی (موسیقی باکلام و بی‌کلام) و درک و فهم وزن‌های موسیقایی، و تسط داشتن بر حالات مختلف و فواصل دستگاه‌ها و آوازهای موسیقی ایرانی و تشخیص آنها از نظر شنیداری، خود می‌تواند یکی از بهترین روش‌ها در یادگیری موسیقی ایرانی باشد که کاربرد آنها به جز در خلق اشعاری با خصلت موسیقی‌پذیر بودن، می‌تواند طی انتشار در زمان و مکان قابل تامل باشد، چنانچه در آثار شعری متقدم (حافظ، سعدی، مولانا و ...) از این دست اشعار بسیار است، که با مرور زمان و تکرار برای ادیبان، دستگاه‌ها و آوازهای ردیف موسیقی ایرانی نیز می‌تواند قابل تشخیص و تفکیک باشد. با وجود قشر جوان و تحصیل کرده که در شاخه‌های ادبی گوناگونی فعالیت دارند، و با وجود امکانات و تکنولوژی امروزه و اساتید مطرح در امر آموزش موسیقی ایرانی در شهر شیراز، و در کل تسهیل شدن در امور ارتباطی و آموزش هنرها، در کنار تقویت تکنیک‌های ادبی، همان‌طور که در آموزش آکادمیک برای موسیقیدانان ایرانی، آموزش درک ارکان شعری از منظر عروض و قافیه و ... مورد تأکید اساتید است، می‌بایست به مطالعه و آموزش موسیقی کلاسیک ایرانی در عرصه پیوند شعر و موسیقی توجه خاص گردد، تا به‌توانیم در سال‌های آتی در شهر شیراز شاهد آثار ادبی فاخری باشیم که با قابلیت موسیقی‌پذیر بودن آنها، موسیقی‌های باکلام ماندگاری را به نسل‌های بعد به یادگار بگذاریم.

منابع و مآخذ

- [۱] اسماعیل‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی وزن و تکیه عروضی در پیوند با وزن و تکیه در موسیقی آوازی. اراک: گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه
- [۲] افقه، مسیح. (۱۳۹۸). تحلیل خویشاوندی حافظ با موسیقی. تهران: مرکز حافظ شناسی فارس (تالار حافظ) خبرگزاری بین‌المللی قرآن
- [۳] امداد، حسن. (۱۳۸۸). انجمن‌های ادبی شیراز. شیراز: انتشارات نوید شیراز
- [۴] امین شریفی، امیرحسین. (۱۳۹۹). تجزیه و تحلیل ۱۱ تصنیف از ساخته‌های علی نقی وزیری. تهران: دانشگاه هنر تهران



- [۵] باغچه‌بان، ثمینه. (۱۳۹۷). جم‌جمک برگ خزون. تهران: چاپ و نشر نظر
- [۶] تکروی، مسعود. (۱۴۰۰). بررسی ارتباط موسیقی کلاسیک ایران با مخاطبین حوزه ادبیات (شاعران و نویسندگان) شیراز در طی یک‌صد سال اخیر. شیراز: موسسه آموزش عالی هنر شیراز
- [۷] تیورک‌رلف. (۱۳۸۷). عناصر موسیقی. ترجمه: علیرضا سیداحمدیان. تهران: موسسه فرهنگی_هنری ماهور
- [۸] خالقی، روح‌الله. (۱۳۷۶). سرگذشت موسیقی ایران بخش اول. تهران: انتشارات صفی‌علی‌شاه
- [۹] خطیب، خلیل. (۱۳۸۸). دیوان غزلیات حافظ. تهران: انتشارات صفی‌علی‌شاه
- [۱۰] دهلوی، حسین. (۱۳۷۹). پیوند شعر و موسیقی آوازی. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ماهور
- [۱۱] سالک، سلمان. (۱۳۸۸). دستگاه‌ها و آوازها جلد دوم. انتشارات آوای مهربانی
- [۱۲] شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). موسیقی شعر. تهران: انتشارات آگاه
- [۱۳] شهریار، محمدحسین. (۱۳۹۸). مجموعه اشعار شهریار. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه
- [۱۴] صابری‌نیا، مسعود. (۱۳۹۵). ..نگاهی به موسیقی شعر نوشته محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران
- [۱۵] عسکری‌رابری، حمید. (۱۳۹۶). بهره‌های متقابل نقد ادبی و نقد موسیقایی در حوزه آثار مکتوب مطالعه موردی موسیقی شعر و پیوند شعر و موسیقی. نشریه پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور
- [۱۶] فخرالدینی، فرهاد. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل و شرح ردیف موسیقی ایران. تهران: انتشارات معین، موزه موسیقی
- [۱۷] کامکار، هوشنگ. (۱۳۹۱). موسیقی کلاسیک و رمانتیک. تهران: ناشر دانشگاه هنر
- [۱۸] کریمی، محمود. (۱۳۷۴). ردیف آوازی موسیقی سنتی ایران. تهران: انجمن موسیقی ایران
- [۱۹] کمال پورتراب، مصطفی. (۱۳۹۱). مبانی نظری و ساختار موسیقی ایران. تهران: وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزشی
- [۲۰] کیانی، مجید. (۱۳۹۳). هفت دستگاه موسیقی ایران. تهران: انتشارات سوره مهر
- [۲۱] کیمی‌ین، راجر. (۱۳۹۰). درک و دریافت موسیقی. ترجمه: حسین یاسینی. تهران: نشر چشمه
- [۲۲] محمدبلخی، مولانا جلال‌الدین. (۱۳۸۹). مثنوی معنوی. به تحقیق کریم زمانی. تهران: نشر نامک
- [۲۳] ملاح، حسینعلی. (۱۳۶۷). پیوند موسیقی و شعر. تهران: مؤسسه علمی فرهنگی فضا
- [۲۴] منصوری، پرویز. (۱۳۸۶). تئوری بنیادی موسیقی. تهران: نشر کارنامه
- [۲۵] مهران، حسین. (۱۳۸۹). مبانی نظری موسیقی غربی و ایرانی، کتاب سرایش. تهران: حسین‌مهرانی
- [۲۶] میرزا عبدالله، ردیف. (۱۳۸۵). آوانویسی و بررسی تحلیلی. ترجمه سودابه آشکار. ۱۳۸۵. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ماهور
- [۲۷] نقدی اطاقوری، قدرت. (۱۳۹۰). کاربرد ادبی و هنری اصطلاحات موسیقی در شعر نظامی گنجوی. کاشان: دانشکده علوم انسانی.



A statistical survey of Shiraz's poets and writers' awareness of Iranian classical music

Abstract

The current research is based on the connection between poetry and music, and the influence of Iranian classical music on works of art (Persian literature). A connection that has long been considered by many writers, who have created lasting works in Persian literature by using the information of Iranian instrumental music. The link between poetry and music is an unbreakable link that the knowledge of these two noble arts enriches new works of art in the field of poetry and music. In connection with the link between poetry and music, there are many evidences that some of the great poets of Iran had a considerable tendency towards the Iranian music of their time, that apart from having proficiency in literary techniques, they were somewhat familiar with the terms and rules of music or the connection They have been close to the musicians of their time. The research carried out is a descriptive-analytical research with field studies in order to measure the level of awareness of literary activists in Shiraz city, which was conducted by presenting a questionnaire to the statistical population and by "SPSS" software and by providing statistics on variables such as: age, The literary branch, level of education, instrumentation, familiarity with the forms and ranks of Iranian instrumental music have been analyzed and investigated. Finally, the poetry and literature people of Shiraz, like some of the great poets and songwriters of this period, in order for their works to be musical and for composers to be able to use these poems in creating works combining poetry and music, apart from having innate talent, they must have a level of awareness. Elevate yourself from Iranian classical music from the listening point of view in the field of instrumental order and understanding of musical weights.

Key words: music, instrumental order, literature, poet, writer

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی